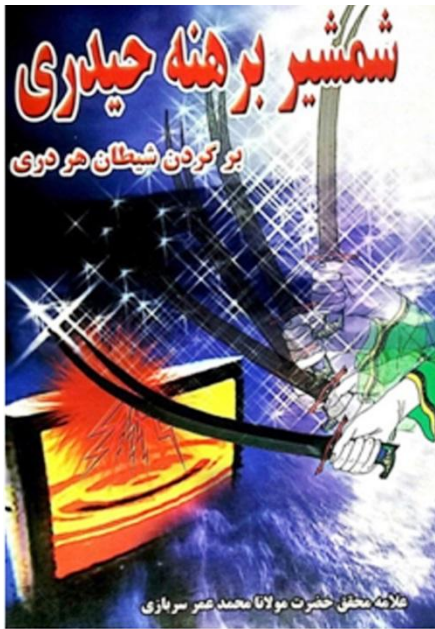


شبح قساوت کلیسای قرون وسطی بر سر مؤمنانِ اسلام!

(ادامهء نقد از ناگزیری و فشار مسئولیت)

به دوام جستجو ها پیرامون چون و چرا و فراز و فرود حدیث سازی و حدیث بازی های پُر فاجعه در تاریخ اسلام؛ نظرم را در انترنیت تصویر یک تلویزیون درهم شکسته با مارتول؛ به خود جلب کرد:



در نگاه اول؛ پنداشتم که یاد و سخن و روایتی از حاکمیت طالبانی و تلویزیون شکنی ها و ویدیو- دار زنی ها در افغانستان یک و نیم دهه پیش با فرامین آخوند ملامحمد عمر مجاهد است؛ ولی در نگاه دقیقتر یافتم که؛ در پای این تصویر؛ فتاوی ملا محمد عمری ثانی؛ آمده و خلصش: دیدن تلویزیون حرام و شکستن آن واجب است؛ میباشد!

خواهید گفت که چنین تصویرها و فکرها و فتواها؛ که بیشتر از هر جای دیگر دنیا؛ در افغانستان معمول و مرسوم و مسنون است نه تنها در حدوداً 7 سال «امارت اسلامی» سیاست اعلانی و اعمالی بوده بلکه 30 سال پیش و پس از امارت اسلامی ملا محمد عمر آخوند؛ نیز در منش و روش و کنش جهادی های آی . ایس . آی «قلعه اسلام» و «ولایت فقیه» اجزای لاینفک ثابت شده است با این تفاوت که طالبان مسلح و غیر مسلح به مثابه پیاده نظام گوش به فرمان لومپن تر بیرون مرزی جمهوری اسلامی پاکستان و شیوخ حرمین شریفین عرب؛ بیچون و چرا دستور اجرا میکردند و میکنند ولی جهادی های متباقی؛ کم کم عملگرا تر شده؛ به طور فزاینده باور های خویش را با مقتضیات شرایط مجبره عمومی و اقتضات منافع شکمی و زیر شکمی خودشان دمساز می نمایند و بسیاری در بدل دالر و کلدار و طلا و زمین و قصر و زن و کرسی؛ بر عقاید شریفه! و مقدسات عالیه! عملاً پای میگذارند. لهذا دست کم برای اهالی افغانستان خاصه برای نسل های پیشینه تر همچو موارد و پدیده ها؛ تازه گی و شگفت انگیزی ندارد.

کمینه علی الرغم چنین ملاحظات که ظاهراً بسیار به جا می نماید؛ از چند نقطه نظر دیگر؛ تأمل و تعمق بر این مورد را خیلی خیلی ضروری و سازنده میدانم:

1- از نظر طعنه تلخ شیعی بودن؛ به اهل سنت:

شاید به موجب و علت اینکه آثار و تبعات همچو عقاید و باور ها گسترده میباشد و مرتبت قاعده ای دارد، سایت شیعی که این موارد را درج نموده آنرا فقط حالت یک طعنه تلخ بخشیده و از کمترین اما و اگر و تحلیل و تفسیر و نظریه پردازی پیرامون آن (که آسان هم نیست!) خود داری نموده است:

توجه کنید:

محمد عمر سربازی: دیدن تلویزیون حرام و شکستن آن واجب است

«مولوی محمد عمر سربازی، دانشمند و فقیه مشهور اهل سنت که از او با عنوان قطب الأقطاب صوفی های بلوچستان یاد کرده اند، در باره نگاه کردن به تلویزیون، کار در شبکه های تلویزیونی و ... فتاوی جالبی داده است که بدون هیچ گونه قضاوت و تحلیلی عین فتاوی ایشان تقدیم برادران اهل سنت می شود».

و فقط پس از همین جملات؛ صرف فوتو ها از بخش (تلویزیون از منظر شرع) کتاب «شمشیر برهنه حیدری ...» به قلم "شیخ التفسیر و الحدیث؛ حضرت مولانا محمد عمر سربازی حفظه الله" را به دست نشر می سپارد که نمایه اش چنین است:

۲- خرید و فروش آن حرام است.

۳- به اجاره دادن و به اجاره گرفتن حرام است.

۴- هبه و هدیه کردن و قبول آن حرام است.

۵- در خانه نهادن و دیدن تصاویر پخش شده‌اش حرام است.

۶- رفتن به اختیار خود در خانه‌ای که این آله در آن روشن می‌شود حرام است.

۷- قبول هدیه و دعوت صاحب چنین آله‌ای که کسب

باز خرید و فروش این وسایل باشد، حرام است.

۸- معامله با کسانی که منع درآمدشان از این راه باشد، حرام است.

احکام تلویزیون و ویدیو

عزیزم! اگر از منظر ایمان با توجه و تدبیر ایستای و بی‌طرفانه و کاملاً عاقلانه به مقاصد و مضاری که این دو آله به همراه دارند نگاه کنی، به خوبی کشف خواهی کرد که این پدیده‌ها ضرر و فسادشان به مراتب بیشتر از ضرر و فساد شراب و هروئین و تریاق است؛ آن اندازه که با هم حتی نسبت پنج به یک را هم ندارند.

با نگاه عبرت‌بخش، این چیزی است که از منظر شرع:

۱- ساخت و تولید آن حرام است.

۱۴- نابرد کردن این دستگاه شوم واجب است.

آری، در موارد و جاهای مخصوصی که به سبب نیازهایی استفاده از این دستگاه ناگزیر باشد، مثلاً برای تدابیر حفاظتی و امنیتی، برای کسب تجارب و مهارت‌های پزشکی و در مراکز علمی و پژوهشی به اقتضای ضرورت و به قدر ضرورت به حکم این دو قاعده‌ی فقهی: «كُفِّرُوا تَبِيعَ الْمُحْضَرَاتِ» و «كُفِّرُوا تَبِيعَ بَشَرِ الضَّرُورَةِ»، به کار بردن این دستگاه گنجایش دارد (ترجمه: «فکر کنید، بلکه منم»)

۹- اشتغال در کارهای مربوط به آن حرام است.

۱۰- گرفتن مزد در آن کارها و از چنین مؤسسه‌ای حرام است.

۱۱- نگاه کردن مناظر جهاد و حج و استماع اذان و تلاوت قرآن کریم و حمد و نعت و سایر کارهای دینی از این آلات حرام است.

۱۲- اعتقاد داشتن به این که این کارهای دینی در آن خوب و جایز است، خطر کفر دارد.

۱۳- مرتکب این کارها فاسق است و اذان و اقامت و امامت او و اقتدای دیگران پشت سرش برای نمازهای فرض و تسبیح و تراویح - همه -، مکروه تحریمه می‌باشد.

معنای شگرد ارائه این مطلب توسط سایت شیعی مورد نظر؛ این است که پیشوایان دینی و مذهبی اهل سنت را سخت عقبنانده و دگم اندیش و ناتوان از شناخت جهان امروز و کنار آمدن با واقعیت‌ها و پدیده‌های عصر؛ علم‌نماید؛ مخصوصاً که مولوی عمر سربازی - فتوا دهنده و مؤلف کتاب - «دانشمند و فقیه مشهور اهل سنت که از او با عنوان قطب الأقطاب صوفی‌های بلوچستان» - هم یاد می‌گردد؛ شناسانده

میشود. گو اینکه پیشوایان و بلندگویان دینی و مذهبی اهل تشیع بسیار بسیار پیشرفته و آزاد اندیش و توانا بر درک و تعامل انعطافی در قبال عصر ساینس و تکنولوژی نوین میباشند!!

2 - از نظر نفس خود فتاوی مولوی سربازی:

چنانکه در فوتو های اوراق کتاب می نگرید؛ این فتواها چنان نیست که در هنگام خشم و خروش و احساسات؛ در وعظ منبری یا سخنرانی میدانی و مظاهره ای یا هم در کمپاین انتخاباتی بر زبان جاری شده باشد. این ها بخشی از کتاب مستطاب و پر دبدبه و کوکبه ایست که لابد تمام سطر ها و جملات آن با نهایت دقت و تأمل و تعمق چینش گردیده و نگارش و تألیف شده است و بنابر این دارای منابع و مأخذ متعدد و «مطمین!» نیز میباشد.

باری؛ متون را پیاده میکنیم تا هرچه بهتر آنها را دریابیم:

«عزیزم! اگر از منظر ایمان با توجه و تدبر ایمانی و بی طرفانه و کاملاً عاقلانه به مفساد و مضاری که این دو آله به همراه دارند؛ نگاه کنی؛ به خوبی کشف خواهی کرد که این پدیده ها ضرر و فساد شان به مراتب بیشتر از ضرر و فساد شراب و هیروئین و تریاق است؛ آن اندازه که باهم حتی نسبت پنج به یک هم ندارند.

با نگاه عبرت بنگر این چیزی است که از منظر شرع:

- 1- ساخت و تولید آن حرام است.
- 2- خرید و فروش آن حرام است.
- 3- به اجاره دادن و به اجاره گرفتنش حرام است.
- 4- هبه و هدیه کردن و قبول آن حرام است.
- 5- در خانه نهادن و دیدن تصاویر پخش شده اش حرام است.
- 6- رفتن به اختیار خود در خانه ای که این آله در آن روشن میشود؛ حرام است.
- 7- قبول هدیه و دعوت کس صاحب چنین آله ای که کسب و منفعتش از خرید و فروش این وسایل باشد؛ حرام است.
- 8- معامله با کسانی که منبع در آمدشان از این راه باشد؛ حرام است.
- 9- اشتغال به کار های مربوط به آن حرام است.
- 10- گرفتن مزد در آن کار ها و از چنین مؤسساتی حرام است.

11- نگاه کردن مناظر جهاد و حج و استماع آذان و تلاوت قرآن کریم و حمد و نعت و سایر کار های دینی از این آلات حرام است.

12- اعتقاد داشتن به اینکه این کار های دینی در آن خوب و جایز است؛ خطر کفر دارد.

13- مرتکب این کار ها فاسق است؛ و آذان و اقامت و امامت او و اقتدای دیگران پشت سرش برای نماز های فرض و وتر و تراویح - همه - مکروه تحریمه میباشد.

14- نابود کردن این دستگاه شوم واجب است!

آری؛ در موارد و جا های مخصوصی که به سبب نیاز هایی؛ استفاده از این دستگاه ناگزیر باشد؛ مثلاً برای تدابیر حفاظتی و امنیتی، برای کسب تجارت و مهارت های پزشکی و در مراکز علمی و پژوهشی به اقصای ضرورت و قدر ضرورت به حکم این دو قاعده فقهی "الضرورات تبيحُ محظورات" و "الضرورتُ تقدر بقدر الضروره" به کار بردن این دستگاه گنجایش دارد. (از احسن الفتاوی - جلد هشتم)»

نخست از اینکه فتاوی متذکره؛ تنها تراویده مغز و کله مولوی سربازی یا به طور عامتر منحصر به امامان و محدثان و پیشوایان اهل سنت بوده؛ و به منابعی که برای پیشوایان اهل تشیع نیز محترم و مطاع استند؛ ارتباطی نداشته و یا در ضدیت واقع باشد، خاطرتان را جمع دارید.

همه جا دکان رنگ است؛ همه رنگ می فروشند

دل من به شیشه سوزد؛ همه سنگ می فروشند!

انفاقاً درین فتاوی درست ترین، نوترین و شجاعانه ترین فتوا ها به لحاظ احکام و اساسات غیر متنازع دین اسلام و قبل از همه به لحاظ روح نصوص قرآنی وجود دارد که نه تنها تا کنون از دهان و زبان کدام مدعی خلافت خدایی و نمایندگی پیامبر شنیده نشده است بلکه علناً و عملاً حتی در مقدس ترین مکان های اسلامی یعنی کعبه شریفه و مدینه منوره به عکس آن عمل گردیده و میگردد:

11- نگاه کردن مناظر جهاد و حج و استماع آذان و تلاوت قرآن کریم و حمد و نعت و سایر کار های دینی از این آلات حرام است.

12- اعتقاد داشتن به اینکه این کار های دینی در آن خوب و جایز است؛ خطر کفر دارد.

13- مرتکب این کار ها فاسق است؛ و آذان و اقامت و امامت او و اقتدای دیگران پشت سرش برای نماز های فرض و وتر و تراویح - همه - مکروه تحریمه میباشد.

البته اینکه جناب علامه مولانا محمد عمر سربازی؛ آدرس را عوضی گرفته عامه خلق خدا - و نه عاملان و مرتکبان حرام مورد نظر شان را- مورد خطاب و عتاب قرار میدهند شاید زیاد تعمدی و از روی حساب و کتاب سیاست و امنیت و منفعت شخصی شان نباشد!

در هر حال بهتر و سازنده تر این بود که بفرمایند:

- 11- پخش کردن مناظر جهاد و حج و تقویت و ایگو دادن ... آذان و تلاوت قرآن کریم و حمد و نعت و سایر کار های دینی با صرف پول های گزاف بیت المال مسلمانان غالباً فقیر و هر دم شهید؛ از این آلات حرام است.

چرا که وقتی چیزی از طرف اولیا و حاکمان مسلمانان؛ توسط وسایل دولتی و اجتماعی و عامه نشر و پخش و توزیع و تکثیر شود؛ امر «نگاه و استماع نکردن» مسلمانان مطیع و منقاد و پیرو و مقلد؛ نا میسر بوده و در صورت میسر شدن قسمی هم؛ چندان تفاوتی در «حرام و حلال» عمومی ایجاد نمیکنند. خوب؛ شاید مولانا صاحب از حیا نخواستند اند زیاد؛ آن بالا بالا ها را ببینند!؟

چنانکه اظهر من الشمس است؛ مناظر حج و طواف کعبه طور 24 ساعته از تلویزیون های ستلایتی عربستان سعودی و دیگر مقلدان بوزینه وش آن در سرتاسر جهان زمینی و در ماورا ها پخش میگردد که ساده ترین معنایش این است که اینها عبادات و خلوت کردن های بنده گی در پیشگاه خدا نه بلکه "شو" های تلویزیونی و نمایشات ویدیو - سینمایی برای تبلیغات سیاسی و تجارتي و مزیداً چیز های برای تفنن و تفریح و حتی تمسخر آدمیان و سایر موجودات احتمالی دنیا مانند جنینان و شیاطین میباشد و عملاً نیز نتیجه و فایده ای جز در همین راستا ها ندارد.

اینگونه آذان ها و خطبه ها و مراسم متعدد نماز های جمعه، نماز های پنجگانه و خلاصه کلیه مراسم عبادی از تلویزیون های سراسری کشور های اسلامی شیعی و سنی و غیر آنها بلا استثنا در حال پخش شباروزی بوده و بر علاوه توسط شبکه های شهری و بازاری در جاده های عمومی و کوچه پس کوچه ها و سر زباله ها و منجله دور و بر سگ های ولگرد و سایر جانوران در حال نشر میباشد.

آیا عبادات ما جز به پیشگاه خداوندی معطوف است که توسط تلویزیون و سینما و ویدیو و کسیت و فلش میموری ها به هر سو پخش و پرت و پلا گردد یا خداوند متعال هم نعوذ بالله مانند حکام فرعون منش زمینی توقع دارد که مراتب توبه و تضرع و تسلیم و دعا و التماس بندگان او را همه انس و جن و سایر مخلوقات و موجودات ببینند تا بر کبریای آن ذات از سوئی و بر خفت و ذلت بنده گانش از سوئی؛ هرچه بیشتر فزونی حاصل آید!؟

یا زبانم لال! نکند؛ خداوند متعال هم از ورای تلویزیون های فول ایچ دی و ویدیو ریدر های تاپ؛ عبادات بنده گانش را با کیف تر و بی زحمت تر دریافت می فرماید!؟

خیر. اگر اینجا به همه گونه استفاده و سوءاستفاده از امکاناتی که توسط تکنولوژی سیبرنتیک و آی تی... مولود تمدن غربی میسر گردیده در مفتضح کردن متون و مناسک و مراسم اسلامی بپردازیم؛ «مثنوی 70 من کاغذ» را می طلبد.

ولی مسلم است که طرح حرام و حلال این تکنولوژی؛ بیچون و چرا موجب طرح حرام و حلال همه تکنولوژی های جدید و محصولات متنوع و متکثر آنها میگردد.

به درجه اول تکنولوژی های مواصلاتی و ترانسپورتی. قرآن مجید سفر حج را «پیاده یا به سواری شتران» ارشاد کرده است که آنرا تنها میتوان به سایر چارپایان بارکش تعمیم داد و بس!

در زمان نزول قرآن؛ کشتی وجود داشت و در خود قرآن از کشتی ها به مانند مخلوقات و نعمت ها و آیات خداوند تذکر رفته ولی سفر حج حتی به وسیله همان کشتی ها تصریح نگردیده است؛ آیا سفر حج توسط طیارات فرست کلاس، قطار های ریل آخرین سیستم و موتر های بلند مودل گرانبها و مطلا که تلویزیون و ویدیو و تکنیک سبیرنتیک و ای تی جزء ذاتی ی آنهاست؛ میتواند حلال باشد و میتواند حج و دیگر مناسک به این طرق؛ عبادات راستین اسلامی محاسبه گردد؟؟؟...

3 - از نظر اینکه آیا اکتشافات ساینسی و مصنوعات تکنولوژیک معاصر توسط مذاهب و ادیان توضیحی داشته میتواند؟

یکی از طرفه ترین و نرادانه ترین مدعیات اسلاميون شیعی و سنی و غیره همه این است که دین اسلام کاملترین دین الهی است؛ معنای طفلانه چنین ادعا همین است که ادیان ماقبل اسلام به ترتیب ناقص و ناقصتر و ناقصترین دین های الهی بوده اند.

چرا در اول ها؛ دین های ارسالی خداوند؛ ناقص و ناقصتر و ناقصترین یعنی پر از عیب ها و کاستی ها بوده است؛ و تکلیف مردمان بدبختی که اصلاً دین دریافتی شان از خداوند؛ ناقص و ناقصتر و ناقص ترین بوده؛ چیست و چه ها میتواند باشد؟؟؟

در حال؛ امکان پرداختن به این و سایر پرسش ها از این قماش را نداریم ولی بنده قبلاً چه در کتاب «معنای قرآن» و چه در متباقی آثار و اندیشه های خود؛ به این پرسش های کوه مانند؛ پاسخ هایی داده ام که تا کنون در آنها ذره ای سستی و خبط و فتور پیش نیامده است. معهدا اینجا ناگزیر پیش فرض میگیریم که دین اسلام کاملترین دین الهی است و قرآن کریم کتاب قدیم و غیرمخلوق میباشد که مشمول علوم ازل الی ابد است. پس تنها دینی که بتواند اکتشافات ساینسی و مصنوعات تکنولوژیک معاصر را از طرف کلیه مذاهب و ادیان توضیح دهد؛ همانا دین اسلام است؟

دین اسلام را همین علامه ها و آیت الله ها و شیخ التفسیرها و شیخ الحدیث ها و مولانا ها و اساتید المدارس و ائمه المساجد و بالآخره خادم الحرمین شریفین و "ولی فقیه" و مفتی و امام و خطیب مسجد الحرام و مسجد نبوی و بیت المقدس و دیگر مسجد ها نمایندگی مینمایند.

ولی همین ها حتی شبکه های تلویزیونی جهانی - ستلایتی برپا داشته اند که تبلیغات و پروپاگندا کنند معجزات قرآن و اسلام و پیامبر و «معصومین»؛ روز تا روز به وسیله ساینس و تکنولوژی معاصر اثبات شده میروند؛ کمپیوتر ها انتظامات ریاضی را در قرآن؛ نشان داده اند و غیره و غیره.

به سخن دیگر؛ دعوی پیشوایان و بلند گویان اسلامی این است که چون ساینس و تکنولوژی هم حقانیت و اعجاز و فلان و بهمان دین اسلام و کتاب و کتاب آور او و عترت یا خاندان او شان را تصدیق میکنند و دانشمندان و فلاسفه غیر اسلامی زیاد دنیا در باره بزرگی پیامبر اسلام و دین اسلام سخن های خوب و مساعد گفته اند؛ لذا اسلام حق است و بزرگ است و بهترین است و معجزه است!

در حالیکه مسئله بر عکس؛ این است که اینهمه اعجاز های ساینس و تکنولوژی معاصر؛ چرا توسط منابع اساسی و ازلی - ابدی اسلامی پیشینی و تبیین نشده بوده و به برکت آنها به مسلمانان؛ بخت و توفیق کسب و کشف و تولید و باز آفرینی آنها ارزانی نگردیده بود؛ حالا که کُفار اینهمه را کشف و اختراع و

ایجاد و عام گردانیده اند؛ آیا مؤمنان به اسلام و ادیان ناقص و ناقصتر و ناقصترین پیش از آن؛ این ساینس و تکنوژی و دستاورد های متنوع ملیون در میلیونی عالمگیر شده آنرا متکی به چه مجوز های شرعی و عقیدتی حلال و مباح و مقبول بشناسند و یا اینکه حرام و مطرود و ملعون قرار دهند؟

5 - از نظر اینکه مردمان دیندار و مذهبی درین گستره؛ چطور تعیین تکلیف کنند؛ و راحت و بی اضطراب زنده گانی نمایند؟

میگویند: «بوکو حرام» به معنای (تمدن غربی حرام است)؛ میباشند؛ و میدانیم نام سازمان مسلح و چریکی همانند القاعده و داعش و طالب و لشکر جهنگوی ... در افریقا است که وحشت و دهشت بیرحمانه و بیرویه ای را در آن سامان به پا نموده و پیش می برد که دمار از روزگار مردمان بیدفاع و صلحدوست بر آورده است. اینکه چنین سازمان ها و لشکر ها اساساً مفرزه های استخبارات ها و مافیا های فرا ملیتی و غیر مذهبی ابر قدرت ها اند؛ چیزی از این حقیقت کم نمیکند که توده های مسلمان در دانش دینی و فهم عقیده و شناخت متقن و اطمینان بخش اجتماع و محیط های دور و نزدیک خود کلافه و سردرگم اند و به هر اندازه ای که دنیای پیرامون گسترده تر و پیچیده تر میشود و پدیده های تازه به تازه ای در آنها حادث میگردد؛ ابهام و پریشانی فکری و گرفتار تناقضات و پارادوکس ها شدن افزایش می یابد.

مزید بر اینها وقتی تشننت افکار و عقاید و نظریات و باور ها و فتاوی و اوامر و نواحي و حلال و حرام کردن ها در میان پیشوایان دینی و ملا ها و روحانیون چنین سرسام آور و محدودیت ناپذیر و کنترل نشدنی است؛ توده های مردم ناخوان و بیسواد و کمسواد و در بدر به دنبال یک لقمه نان؛ چگونه با درک و یقین و اعتماد به چیزی باور کرده و بدون دغدغه خاطر ادامه زندگانی دهند.

آیا به ویژه مغشوشیت های عقیدتی و ایمانی و گرفتاری به تضاد ها و تناقضات لاینحل و فزاینده و غلیظ شونده موجبات تشدید ایستریس ها و اضطرابات مردمان بیچاره و ناتوان را فراهم نمیسازد و به کویر بی و سر و ته و رعب انگیز و مرگ آور هیچی و پوچی سرگردان و لالهاندشان نمیگرداند؟

باز هم اگر همه اختلاف و تضاد و تناقض و مغشوشیت در مورد ویدیو و تلویزیون و عموماً حتی در مورد تمدن غربی و پدیده های معنوی و مادی آن باشد؛ بلائی به خیر است و به نحوی میتوان کمابیش رفع و رجوع کرد؛ ولی وقتی اغتشاشات برداشتی و تأویلی و تفسیری و فتوایی؛ حتی بدیهی ترین و کهنترین ارزش ها و اصول و فروع و مطالب و معانی و پندار ها و رفتار ها را هم در هم پیچید؛ دیگر چاره بیچاره گان را کی خواهد کرد؟؟

از باب مثال؛ همین جناب «علامه محقق حضرت مولانا محمد عمر سربازی»، دانشمند نامدار اهل سنت سیستان و بلوچستان (ایران)، که مدیر مدرسه منبع العلوم کوهون نیز میباشند، در کتاب دیگر خویش به نام «مجالس قطب الإرشاد» در پاسخ به سؤالی در باره حکم در آمد مواد مخدر میگوید:

دادن در آمد مواد مخدر به مدارس یا مساجد، جایز است. گرفتن این پول توسط مدیران مدارس؛ حتی اگر بدانند از راه غیر مشروع تهیه شده، اشکالی ندارد. اگر شخص اهدا کننده نیت خیر داشته باشد، ثواب هم می برد.

سود آمد، این سودها را در بانک نگذارد، چون این هم معاونت علی الاثم است، بلکه باید آن‌ها را از بانک بگیرد و بدون نیت ثواب به فقرا و مساکین بدهد، بلکه به این نیت بدهد که این بلا و عذابی است و آن را از گردن خود دور می‌کند. اگر آن‌ها را به نیت ثواب بدهد، گناه کارتر می‌شود. زیرا این حرام است و دادن حرام به دیگران [به نیت ثواب] خود گناهی جداگانه محسوب می‌شود و گناه را ثواب دانستن نیز خود گناهی بزرگ است.

حکم دادن درآمد مواد مخدر به مدارس

سوال [۱۱۶]: دادن درآمد مواد مخدر به مدارس و مساجد و فقرا چه حکمی دارد؟

جواب: مواد مخدر به‌طور کلی ناجایز و فروش آن نیز ناجایز است. اما اگر شخصی از راه موادفروشی پول به دست آورد و آن‌ها را به مدرسه‌ای یا به مسجدی داد، جایز است، زیرا این حرام لغیره است. اگر حرام لعینه - مثل سود، مال شراب، دزدی و ... - باشد، به هر صورت حرام می‌گردد و چون این حرام لغیره است به تغییر و تبدیل دست، حرمت آن رفع و زایل می‌شود، برای دهنده حرام و برای گیرنده جایز است. اگر مدیران مدارس بدانند که آن مال از مواد مخدر است، باز هم تحویل گرفتن آن‌ها جایز است و به دهنده از دادن آن پول‌ها ثواب نمی‌رسد. البته در صورتی که تیت او کار خیر باشد، به او ثواب می‌رسد.

حکم کارمندی که اوقات اداری را صرف مشاغل شخصی می‌کند

عین متن:

سوال 116: دادن درآمد مواد مخدر به مدارس و مساجد و فقرا چه حکمی دارد؟

جواب: مواد مخدر به‌طور کلی ناجایز و فروش آن نیز ناجایز است. اما اگر شخصی از راه موادفروشی پول به دست آورد و آن‌ها را به مدرسه‌ای یا مسجدی داد؛ جایز است؛ زیرا این حرام لغیره است. اگر حرام لعینه مثل سود، مال شراب، دزدی و ... باشد؛ به هر صورت حرام می‌گردد و چون این حرام

لغیره است به تغییر و تبدیل دست؛ حرمت آن رفع و زایل میشود؛ برای دهنده حرام و برای گیرنده جایز است. اگر مدیران مدارس بدانند که آن مال از مواد مخدر است؛ باز هم تحویل گرفتن آنها جایز است و به دهنده از دادن آن پول ها ثواب نمیرسد. البته در صورتی که نیت او کار خیر باشد؛ به او ثواب میرسد.

بالاخره آیا روشنفکر ترین و فقه شناس ترین و حقوقدان ترین آدم های روی زمین؛ خواهند توانست معنا و مراد و پیامد های این فتوا را معین و محدود و در دایرهء جلب نفع و دفع ضرر از عامه خلق های دارای کاملترین دین یا ناکاملترین دین؛ مشخص و اجرایی و کنترل پذیر سازند؟

مگر فتاوی و فیصله ها و حکمات سایر قصه مسلمانان و روایت باوران قرآن نافهم و قرآن ناشناس غیر مغشوش تر و بهتر از این بوده است و خواهد بود؟؟؟!

کی، کجا، چطور و چگونه؟؟؟

تضاد و تناقض و پارا دوکس و اغتشاشی که امروز دنیای کوچک اسلام را فرا گرفته در فواصل قرن های 15 تا 18 و 19 دنیای بزرگتر اروپای مسیحی را نیز در بر گرفته بود. درین روزگاران پاپ ها و ارباب کلیسا های مقتدر؛ نخست قرن ها به تعقیب و سرکوبی و شکنجه و قتال و زنده زنده سوزاندن نو اندیشان و دانشمندان و کاشفان و مخترعان پرداختند؛ وقتی تمام این وحشیگری های پیشوایان دینداران دین ناقص! عیسوی نتوانست جلو رشد و شگوفانی علم و عقل و ساینس و تکنولوژی را بگیرد و آنها مقبولیت عمومی یافتند؛ لهذا پاپ اعظم و کلیسا های بلند تر از دولت ها ناگزیر به تغییر روش گردیده؛ بر این سازو سرود و سرنا دمیدند که تمام این روشنگری ها و ترقیات و ایجادیات و اکتشافات برکت کتاب مقدس بوده و دانشمندان آنها را از متون قدسی بیرون کشیده و به کار بسته اند.

از قضا برخلاف جهان "حدیث" زده و "روایت" کُشته اسلام؛ شماری از پیشاهنگان علوم و کاشفان حقایق کلیدی مانند پدر علم ژنتیک از اهالی کلیسا و از میان کشیشان و قدمه های دیگر کلیسایی بودند که به استدلال تازه ارباب کلیسا خیلی خیلی مدد می رسانید. وانگهی هرچه بود؛ ساینس و تکنولوژی که بدینگونه در اروپا بالیدن گرفت؛ مانند آنچه اکنون در جهان بسته اسلامی تعبیر میشود؛ چیز بیگانه و غیر بومی و «وارداتی» و «تحمیلی» و «تهاجمی» نبود.

لها؛ هم امثال فتاوی جناب علامه مولانا محمد عمر؛ و هم اکستریمیم جهادی و انتحاری و استشهادهای...بانده گروپ های تروریسم بین المللی اسلامی؛ حاکی از آن است که به نحوی از انحا یک دوران تفتیش عقاید و انگیزیسویون و دار و گیوتین و ترور انتحاری و انفجاری و حتی کیمیاوی و میکروبی و شاید هم اتمی در شباهتی به شیوه کلیسا های اروپای قرون وسطا در برابر شایقان و لایقان علوم ساینسی و تکنولوژی های ماشینی و بیونیک و سیبرنتیک و غیره دارد؛ قامت می افرازد. البته تفاوت های تاریخی ژرفی در میان است و احتمال تکرار تاریخ به عین صورت کمتر متصور میباشد ولی تهدید و خطر به درجات بلند وجود دارد. چنانکه عملاً دیده میشود که درین کش و گیر بیشترین قربانی و آسیب ها و آفت ها را هم مردمان عادی بیگناه و بیغرض و بیخبر متحمل و متقبل شده میروند. مگر اینکه با رستاخیز آگاهانه و متشکل عمومی برضد خطر های حیاتی به پا خیزند و به حد ضرورت بیدار و هشیار گردند!